

آموزش احکام دین در زمینه‌های اخلاقی و اعتقادی به فرزندان

چکیده

خدای متعال انسان را به گونه خاصی خلق کرده و ویژگی منحصر به فردی در او قرار داده است که می‌تواند به واسطه آن به رشد و بالندگی برسد در حالی که کسب آن خصوصیت با تعلیم و تربیت غیر ممکن است. به عنوان مثال، حقیقت خواهی یا کمال خواهی، امری نیست که ضرورت‌های اجتماعی برای انسان به وجود آورده باشد، بلکه انسان ذاتاً حقیقت خواه آفریده شده است و این حس در نهاد و سرشت او ریشه دارد، بگونه ای که می‌توان به واسطه آن، قوانین و برنامه‌های تربیتی کلی برای همه انسان‌ها تنظیم کرد. اصالت انسان در گرو قبول بعضی از فطریات است. هدف از انجام این پژوهش، تحقیق آموزش احکام دین در زمینه‌های اخلاقی و اعتقادی فرزندان با روش صحیح است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و روش تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات، توصیفی و استنادی خواهد بود. بخشی از نتیجه گیری های این تحقیق بیان می کند که: بررسی گروهی از روایات تربیتی و بنابر عقیده متخصصان تعلیم و تربیت مسلمان، در می یابیم که دین اسلام به تربیت دینی فرزندان، به ویژه تربیت عبادی، تأکید زیادی کرده است، تا زمینه دستیابی کودکان به مراحل عالی کمال فراهم شود. برای تحقق این هدف و علاقه مند کردن کودکان به فراگیری و انجام تکالیف عبادی، ضروری است اقدام های لازم و مقتضی را از همان دوران کودکی به عمل آورد. به این ترتیب، با برنامه ریزی دقیق سعی شود مطالب دینی و عبادی مورد نیاز و ضروری را به صورت ساده و قابل فهم به کودکان آموزش داد و آنان را به انجام اعمال و پایبندی به آن تشویق کرد.

واژگان کلیدی: آموزش، احکام دین، اعتقاد، فرزند

مقدمه

وجود فطرت خداگرایی در انسان به همه شناخت‌ها و رفتارهای وی جهت الاهی می‌دهد و او را موجودی ممتاز، هدفدار و جهت دار معرفی می‌کند. پیداست نقش این دیدگاه نسبت به انسان در نظام تربیتی و مکتب اخلاقی و برنامه آموزشی و پرورشی بسیار تعیین کننده است.^۱

با توجه به این مطلب، برنامه‌های آموزشی و پرورشی ما باید به گونه ای باشد که دینداری دانش آموزان و دانشجویان و همه مردم را تقویت و روحیه تعبد آگاهانه را در آنان پرورش و یاد خدا و التزام عملی بر آداب اسلامی را فرهنگ عمومی مردم سازد.^۲

آفرینش انسان بگونه خاصی بوده و ویژگی منحصر به فردی در او قرار گرفته است که می‌تواند به واسطه آن به رشد و بالندگی برسد و امکان ندارد با تعلیم و تربیت آن خصوصیات را به دست آورده باشد. به عنوان مثال، حقیقت خواهی یا کمال خواهی، امری نیست که ضرورت‌های اجتماعی برای انسان به وجود آورده باشد، بلکه او حقیقت خواه آفریده شده است و این حس در نهاد و سرشت او ریشه دارد، بگونه ای که می‌توان به واسطه آن، قوانین و برنامه‌های تربیتی کلی برای همه انسان‌ها تنظیم کرد. اصالت انسان و انسانیت در گرو قبول بعضی از فطریات است.^۳

یکی از مهم ترین ابعاد تربیت دینی در فرزندان، تربیت عبادی است. این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی و ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است، بسیار مورد تأکید پیشوایان دینی ما می‌باشد. داوودی تربیت عبادی را: «آموزش عبادات به متریان و متعهد کردن آنان به انجام آنها» می‌داند. به طور کلی، تربیت عبادی بعدی از تربیت دینی است که متربی را با اعمال و تکالیف عبادی آشنا، و آنان را با انگیزه راسخ، مکلف به انجام آن می‌کند.

با توجه به ضرورت آموزش، باید راه‌های آموزش و راهکارهای مناسب برای رسیدن به آموزش مطلوب را شناخت. البته دانشمندان بسیاری به این امر پرداخته اند و آن را از دیدگاهی علمی بررسی کرده اند اما کمتر کسی آن را در قرآن که کتاب آسمانی و هدایت برای همه جهانیان است و در مورد همه امور حتی جزئی ترین آنان، برنامه و راهکارهای مناسب را ارائه داده بررسی کرده است و این امر هنگامی که در مورد آموزش معارف اسلامی باشد اهمیت بیشتری می‌یابد.

^۱ - کریمی نیا، الگوی های تربیت اجتماعی، ص ۲۱۲

^۲ محمد رضا فضل الله، «درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان»، ترجمه فرزاد اسدی، تربیت اسلامی، ش ۳، ص ۱۳۹.

^۳ - جمعی از نویسندگان، انسان شناسی (پیشین)، ج ۱، ص ۱۷-۹

در این زمینه، معمول کتاب‌ها و منابع، پیرامون یکی از مبانی یا اصول آموزش دینی و یا محدود به مقطع سنی خاصی بوده و یا مبانی و اصول آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته است و مبانی اصول آموزش معارف اسلامی از منظر قرآن و روایات به صورت کامل جمع آوری و بررسی نشده است.

روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و روش تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات، توصیفی و استنادی خواهد بود.

ضرورت تربیت عبادی فرزندان در دوران خردسالی

متخصصان تعلیم و تربیت در مورد نقطه شروع پرورش مذهبی و آموزش برنامه های معنوی و تعلیمات دینی، دو نظر بیان کرده اند:

گروهی معتقدند: «فرزند تا به حد بلوغ و رشد نرسد، استعداد درک آموزش های دینی را ندارد و نباید تحت تربیت دینی قرار گیرد، گروه دیگری عقیده دارند که اطفال نیز لیاقت و استعداد آن را دارند که تحت تربیت دینی قرار گیرند و مربیان می توانند مطالب دینی را ساده و قابل فهم نمایند و به فرزندان تلقین کنند و آنان را وادار سازند که برنامه های آسان دین را انجام دهند تا با افکار و اعمال دینی نشو و نما یابند»^۱

اسلام در این باره دیدگاه های متقن و دقیقی ارائه کرده است. در تفکر اسلامی، انسان در مقام جانشین خدا، خلافت الاهی بر روی زمین به عهده دار است. برای کسب این مقام، باید از دوران خردسالی و چه بسا قبل از آن، اقدام های لازم را به عمل آورد، تا فرزند آمادگی پذیرش تکالیف الاهی را در زمان بلوغ پیدا کند. بر اساس سنت و رهنمودهای معصومان، آموزش دینی و عبادی از هنگام تولد شروع می شود، زیرا تربیت در دوره کودکی پایه و اساس رشد و بالندگی معنوی در دوره های بعدی خواهد بود. دلایل روایی زیادی در تأیید نظریه دوم وجود دارد.

غزالی معتقد است: «تربیت دینی باید از سنین پایین آغاز شود، زیرا در این سن فرزند بدون طلب دلیل و برهان، آماده پذیرش عقاید دینی است. از طرف دیگر، نهادینه کردن معانی دینی با تلقین و تقلید آغاز می شود و سپس با توجه به مراحل گوناگون رشد، دستورات مناسب هر مرحله

^۱ - کریمی نیا، الگوی های تربیت اجتماعی، ص ۲۱۲

به تدریج عرضه می شود و در پایان به پدید آمدن باورهای عمیق و محکم در ذهن انسان می انجامد»^۱

بر اساس نظر شرع مقدس اسلام، فرزندان تا به سن بلوغ نرسند، تکلیفی متوجه آنان نیست؛ اما هنگامی که به سن تکلیف می رسند و با مجموعه تکالیف شرعی مواجه می شوند، در صورت نداشتن آشنایی و آمادگی پیشین، پذیرش و انجام تکالیف دینی برای آنان دشوار می باشد و چه بسا رغبتی نسبت به اعمال عبادی از خود نشان ندهند. یکی از فلسفه های تعلیم تکالیف عبادی به فرزندان در دوره خردسالی این است که کودکان بر اثر مداومت، انجام آن اعمال برای آنان ملکه شود، تا در زمان سن تکلیف، برای آنان دشوار نباشد. بی شک اگر فرزندان در آغاز دوران کودکی و سال های نوجوانی از آموزه های دینی بهره ای نبرند، قطعاً در جوانی و بزرگسالی با یک رکود معنوی و در نهایت خسارت روحی مواجه خواهند شد. امینی معتقد است:

درست است که پسر بعد از پانزده سال و دختر بعد از نه سال به تکلیف می رسند و قبل از آن تکلیفی؛ اما انجام تکالیف دینی را نمی توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. باید انسان از کودکی به انجام عبادات و تکالیف دینی عادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد... و الا [انجام آن عبادت در سن بلوغ برای بچه دشوار خواهد بود با اصلاً زیر بارش نمی رود و اگر هم نماز خوان شود، چندان تقیدی به آن نخواهد داشت و با اندک بهانه ای ممکن است آن را ترک نماید؛ زیرا عملی که از زمان کودکی عادی نشده باشد، عادت کردن به آن دشوار خواهد بود.^۲ البته باید بکوشیم حس و رغبت کودکان نسبت به تکالیف عبادی، به انگیزه و خواست درونی تبدیل شود و این علاقه از درون بجوشد، نه اینکه صرفاً در حد اطلاعات دینی باقی بماند. بنابراین، باید افزون بر بعد شناختی، با بهره گیری از بعد عاطفی کودکان، از ابتدا تصویری زیبا از دین و تکالیف دینی برای آنان ترسیم کرد، تا شور و انگیزه گرایش و عمل به تکالیف و مناسک عبادی در کودکان درونی شود. برای تحقق این هدف، ضرورت دارد در دوره کودکی، آمادگی های لازم، برای انجام یک مجموعه از اعمال عبادی (نماز، روزه) را در آنان ایجاد کرد، این مطلب به خوبی از روایات فهمیده می شود. برای نمونه، در روایتی پیامبر اکرم می فرماید: «نماز را در هفت سالگی به فرزندان تعلیم دهید»^۳ نظیر همین

^۱ فضل الله، «درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان»، ص ۱۳۹.

^۲ امینی، تربیت، ص ۲۵۲ - ۲۵۱

^۳ هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۱

روایت از امام علی ع نقل شده است که حضرت می فرماید: «از هفت سالگی فرزندان را به نماز امر کنید».^۱ در این زمینه امام باقر می فرماید:

ما اهل بیت، هنگامی که فرزندانمان به پنج سالگی رسیدند دستور می دهیم نماز بخوانند؛ ولی شما از هفت سالگی آنان را به نماز خواندن امر کنید، و ما در هفت سالگی امر می کنیم به اندازه توانایی شان نصف روز و یا بیشتر و یا کمتر روزه بگیرند و دستور می دهیم هنگامی که تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد، افطار کنند. این عمل برای آن است که به روزه گرفتن عادت کنند. پس شما کودکان خود را در نه سالگی به اندازه توانایی شان امر به روزه گرفتن کنید و چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب گردید، افطار کنند^۲ از این روایات بر می آید که باید کودکان را در خردسالی به فراگیری و اقامه نماز و گرفتن روزه تمرین داد تا به تدریج برای آنان عادت و ملکه شود، و هنگام سن تکلیف، به خوبی آماده باشند. حتی با توجه به اینکه کودکان از تنبیه بدنی منع شده اند، اما در مورد زمینه سازی و تحریک و وادار کردن آنان به نماز، گاهی ائمه امر به تنبیه فرموده اند. فقیهان نیز معتقدند در تمرین دادن فرزندان به نماز، در صورت لزوم، به مقداری که دیه واجب نشود، می توان او را تنبیه کرد. از روایات بر می آید که اگر کودکان در خواندن نماز سستی کنند، می توان آنان را با رعایت موازین شرعی، تنبیه (از زبانی تا عملی کرد. البته در روایات، از نظر زمان و سن بازخواست اختلاف وجود دارد. از این رو، نمی توان دقیقاً مشخص کرد که در چه سنی می توان آنان را با تنبیه به نماز واداشت. در تعدادی از روایات زمان بازخواست و تنبیه از شش یا هفت سالگی آمده است. برای مثال، پیغمبر اسلام فرمود: «وقتی فرزندان شش ساله شدند، امر کنید نماز بخوانند؛ وقتی هفت ساله شدند، در صورت لزوم می توانید آنها را بزیند»^۳

همسر امام خمینی نقل می کند که امام از هفت سالگی در تربیت دینی دقت داشتند و می گفتند: «بچه ها از هفت سالگی نماز بخوانند. بچه ها را وادار به نماز کن، تا وقتی نه ساله شدند، عادت کرده باشند»^۴

سادات معتقد است:

انجام تکالیف دینی را نباید تا زمان بلوغ به تأخیر انداخت؛ بلکه باید انس و عادت لازم را پیشاپیش در آنها به وجود آورد تا در زمان بلوغ مشکلی از این نظر به وجود نیاید. خانواده هایی که

^۱ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۸۸

^۲ کلینی، اصول کافی، ج ۳، ح ۱، ص ۴۰۹

^۳ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص

^۴ خمینی، امام در سنگر نماز، ص ۱۰۴.

هستند، دوری جسته است. نقل شده است که رسول اکرم له به بعضی از فرزندان نظر افکند و فرمود:

وای به فرزندان آخر زمان، از (بی توجهی و) روش نا پسند پدرانشان! عرض شد یا رسول الله از پدران مشرک آنها؟ فرمودند: نه، بلکه از پدران مسلمان آنان که هیچ یک از واجبات احکام دینی را به فرزندان خود نمی آموزند و هر گاه فرزندانشان در صدد تعلیم مسائل دینی باشند، آنان را از این امر باز می دارند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنان قانع هستند و تنها به این دل خوشند که فرزندانشان بهره ناچیزی از دنیا به دست آورند) من از این قبیل مردم بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزارند^۱. بر اساس فرمایش نبی مکرم لا، یکی از وظایف والدین، آموزش احکام، واجبات و فرایض دینی فرزندان بیان شده است. متأسفانه در عصر حاضر با توجه به سیاست تساهل و تسامح، والدین اهتمام لازم به تعلیم آموزه های دینی به فرزندان خویش را ندارند؛ در حالی که مشاهده می شود بعضی از خانواده ها برای فراگیری فرزندان خویش به زبان دوم و یا یادگیری رایانه و امثال اینها، وقت و هزینه زیادی صرف می کنند؛ ولی نسبت به تقویت بنیه معارف دینی و معنوی آنان، که سعادت آنان به این حوزه معرفتی و معنوی بستگی دارد، کم توجه یا بی تفاوت هستند. در این باره، از رسول خدا روایت شده است که فرمودند: «هیچ کس خداوند را ملاقات نمی کند، با گناهی بزرگ تر از جهالت زن و فرزندان^۲».

درباره در اهمیت تعلیم مسائل شرعی امام باقر می فرماید: «اگر جوانی از شیعیان را ببینم که مسائل و احکام مذهبی را نمی آموزد و از این وظیفه تخلف می کند، او را مجازات خواهم کرد!»^۳. از سوی دیگر، در منابع روایی والدین نیز به تعلیم و تربیت دینی فرزندان تشویق می شوند. چنان که پیامبر اسلام می فرماید: «هر کسی فرزندی را تربیت کند تا اینکه لا اله الا الله» بگوید، خداوند (روز قیامت) از او محاسبه نخواهد کرد»^۴.

^۱ فیض کاشانی، المحجة البيضاء فی تهذیب الأحياء، ج ۳، ص

^۲ قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۴، ص ۳۶۴

^۳ هندی، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۱۶، ص ۴۵۶

^۴ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۱، ص ۴۷۷، ح ۲۷۹۳۶.

نکته مهم این است که آموزش فقه و آموزه های دینی و احکام عبادی به فرزندان، باید پیش از زمانی باشد که مکتبهای انحرافی، فکر و ذهن آنان را با افکار و عقاید نادرست پر می کنند. چنان که امیر المؤمنین علی(ع) خطاب به والدین می فرماید: «به فرزندان خود، از علم ما آنچه را که خدا به وسیله آن به آنها نفع می رساند، آموزش دهید، تا مخالفان با نظرات خود، بر آنها فائق نیایند»^۱

^۱ همان. ح ۲۷۹۵۶

نتیجه‌گیری

در راستای مبانی آموزش معارف می‌توان به یکی دیگر از آنها، تحت عنوان توانایی انسان در ساختن خود و جامعه اشاره کرد به این معنی که همان طور که یک فرد توانایی ساختن و تهذیب خودش را دارد توانایی ساختن جامعه و تاثیرگذاری روی افراد آن جامعه از دیگر توانایی‌های انسان محسوب می‌شود و همچنین پرورش فراگیران بر اساس ارزش‌های اجتماعی، آنان را شهروندانی شایسته و کارآمد می‌کند که بتوانند پیش نیازهای یک جامعه ایده‌آل را فراهم آورند و بتوانند نقش درست و بهینه خود را، در تحقق اهداف الهی جامعه دینی کنونی و آماده سازی جامعه مهدوی ایفا نمایند همچنین با بررسی گروهی از روایات تربیتی و بنابر عقیده متخصصان تعلیم و تربیت مسلمان، در می‌یابیم که دین اسلام به تربیت دینی فرزندان، به ویژه تربیت عبادی، تأکید زیادی کرده است، تا زمینه دستیابی کودکان به مراحل عالی کمال فراهم شود. برای تحقق این هدف و علاقه مند کردن کودکان به فراگیری و انجام تکالیف عبادی، ضروری است اقدام‌های لازم و مقتضی را از همان دوران کودکی به عمل آورد. به این ترتیب، با برنامه ریزی دقیق سعی شود مطالب دینی و عبادی مورد نیاز و ضروری را به صورت ساده و قابل فهم به کودکان آموزش داد و آنان را به انجام اعمال و پایبندی به آن تشویق کرد.

منابع

* قرآن کریم

۱. احمدی، سید احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، انتشارات بشری، تهران، ۱۳۹۷
۲. امینی، ابراهیم، تربیت، انتشارات سوره مهر ۱۳۹۰
۳. انصاریان، حسین، دیار عاشقان، ج ۵، انتشارات بشری، ۱۳۸۶
۴. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۹
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۵، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۶
۶. خمینی، سید روح الله، امام در سنگر نماز، دفتر ۷، ۱۳۴۴
۷. شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، انتشارات موسسه آل البيت، ۱۳۷۸
۸. فقیهی، علی نقی، شیوه های ترغیب و جذب به نماز، انتشارات: العیال، ۱۳۹۷
۹. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجّة البيضاء فی تهذیب الأحياء، انتشارات الکتب الاسلامیه
۱۰. فضل الله، محمدرضا «درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان»، ترجمه فرزاد اسدی، تربیت اسلامی، ش ۳، ۱۳۹۷
۱۱. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۳، ۱۳۹۰
۱۲. فرید، مرتضی، الحدیث - روایات تربیتی از مکتب اهل بیت، ج ۱، انتشارات مهدی موعود، تهران ۱۳۹۹
۱۳. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۴ انتشارات الکتب الاسلامیه. قم
۱۴. کریمی نیا، محمدعلی، الگوی های تربیت اجتماعی، انتشارات قم، ۱۳۹۲
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۳، ۱۳۹۱
۱۶. مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۹، تهران دارالکتب الاسلامیه. ۱۴۰۷

۱۷. مروجی طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، انتشارات بیتوته،

۱۳۹۰

۱۸. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، روشنگران ۱۳۹۰

۱۹. نوری، میرزا حسن مستدرک الوسائل، ج ۳، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰

۲۰. هندی، علاء الدین حسام الدین، کنز العمال، ج ۱ دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷